

بررسی وضعیت گالری‌داری در کرمان در گفت‌وگو با دو صاحب‌نظر؛

هزینه‌های گالری را به سختی تامین می‌کنیم

❖ اوضاع خیلی بد است و فروشی نداریم ❖ فرهنگ و هنر در مملکت ما اولویت آخر است!

دیدیم نه، اصلا حال مردم خوب نیست، ولی با این حال می‌گفتند خوب شد نمایشگاه گذاشتید، حداقل ساعتی حالمان بهتر شد. من می‌گویم رسالت هنر این است که حال آدم‌ها را خوب کند، ولی متأسفانه تا اتفاقی می‌افتد اول گالری‌ها را تعطیل می‌کنند.

مهاجری ادامه می‌دهد: الان وضعیت اقتصادی مردم خیلی بد است، می‌آیند و خیلی هم کارها را دوست دارند، ولی متأسفانه قدرت خرید ندارند، اگر خرید اتفاق بیفتد برای هنرمند هم لذت‌بخش است.

در کرمان هنوز در پله اول مانده‌ایم

او می‌افزاید: احساس می‌کنم در محیط گالری‌داری نیاز به خیلی تفکر داریم، یعنی باید بررسی کنیم، پژوهش کنیم؛ در شهرهایی مثل شیراز و اصفهان واقعا گالری‌داری خوب پیش می‌رود؛ چند وقت پیش نمایشگاه هنر سنتی در اصفهان بود؛ آن‌جا که رفته هم برایم جالب بود، هم خیلی غصه خوردم؛ چون دیدم هنرمندان اصفهان روی صادرات و مقوله‌های کلان صحبت می‌کنند و تازه ناراضی هم هستند، ولی ما در کرمان با وجود این پتانسیل و هنرمندان خوب، هنوز در پله اول مانده‌ایم.

مدیر گالری اسفند ادامه می‌دهد: در اصفهان یک نگارخانه‌ای در میدان نقش جهان دیدم که کارهای متنوع و تخصصی سنتی کار می‌کرد و جالب این‌جا بود که لیست قیمتش به دلار بود و فروش هم داشت؛ من آن کارها را که دیدم حس کردم در کرمان هم نمونه این کارها آن هم توسط هنرمندان جوان انجام می‌شود؛ ولی متأسفانه روی آن‌ها کار نشده است.

مهاجری می‌افزاید: من خیلی در این مدت فکر کردم. به نظرم در کرمان حلقه‌های کار هنری یک شکست‌هایی دارد که باید آن‌ها را به هم ربط دهیم تا از این وضعیت رها شویم.

ما هنوز کار جمعی را یاد نگرفته‌ایم

او دلیل این را این‌گونه بیان می‌کند: ما مردم کرمان همدیگر را آن‌طور که باید دوست نداریم، نمی‌خواهیم دست به دست هم بدهیم؛ ما هنوز کار جمعی را یاد نگرفتیم، ما یاد نگرفتیم که این گالری‌داری یک حلقه است و ما با هم می‌توانیم موفق شویم؛ یعنی گالری‌دار یک گوشه، هنرمند یک گوشه، اداره ارشاد یک گوشه، این‌ها همه به هم متصل هستند. و این‌که اگر به هم کمک نمی‌دهیم لاقل چوب لای چرخ همدیگر نگذاریم.

این گالری‌دار درباره فروش آثار نیز می‌گوید: ما در این مدت فراز و نشیب داشتیم اما خوب بود و راضی بودیم. در عین حال از زمان اعتراضات و بالا رفتن قیمت دلار خیلی فروش‌مان کم شده است، متأسفانه در شرایط بد اقتصادی میان ملزومات زندگی، مردم اول هنر را حذف می‌کنند. این در حالی است که خرید اثر هنری نوعی سرمایه‌گذاری است و اثر هنری ارزشش سال به سال بیشتر می‌شود و به سرمایه اضافه می‌شود. ما باید در این مورد آگاهی بدهیم.

او درباره‌ی همکاری و حمایت ارگان‌های متولی هنر می‌گوید: می‌توانم بگویم در این سال‌ها از گالری و مجموعه من هیچ حمایتی نشده است و من هر بار به این نتیجه رسیدم که اگر قرار است وقتی بگذارم که این حمایت را بگیرم بهتر است آن وقت را برای کارم بگذارم؛ حمایت باید خودش به سمت ما بیاید نه من دنبالش بروم. او معتقد است ارشاد و نهادهای متولی می‌توانند حداقل مثلا در اسکان هنرمندان دیگر شهر با یک نام‌نگاری به گالری‌ها کمک کنند؛ یا مراحل صدور مجوزها راحت‌تر و سریع‌تر انجام شود، یا در تبلیغات مکان‌هایی را به معرفی گالری‌ها اختصاص بدهند.



گالری‌داری کرمان هیچ زمان تداوم و ثباتی نداشته و همیشه گروهی آمدند و رفتند؛ دلیل این را که می‌پرسم می‌گوید: به خیلی از موارد ربط دارد؛ یکی این‌که هنرمندانی که کارهای خوبی دارند با شهرهای دیگر غیر از کرمان کار می‌کنند و از آن طرف هم ما می‌بینیم کسانی که علاقه‌مند خرید آثار هنری هستند کار از شهرهای دیگر می‌خرند؛ خود من به‌عنوان یک گالری‌دار می‌گویم شاید باید بیشتر روی شناساندن گالری کار کنم؛ بارها شده افراد می‌گویند ما اصلا نمی‌دانستیم کرمان گالری هم دارد! او ادامه می‌دهد: ما گالری‌دارها تبلیغاتی نداریم، هزینه تبلیغات زیاد است و متأسفانه چون بخش خصوصی حساب می‌شویم دولت هیچ همکاری با ما ندارد، البته من هیچ وقت روی دولت حساب نکردم. ولی اگر مثلاً از گانی مثل شهرداری بترهایی به معرفی گالری‌ها اختصاص می‌داد می‌توانست کمک کند.

مهاجری می‌افزاید: مقوله اقتصاد هنر خیلی مهم است، اگر گردش مالی نباشد، آدم هر چقدر هم عاشق هنر باشد بعد از مدتی خسته می‌شود و کنار می‌رود.

باید گالری‌گردی را راه بیاندازیم

او ادامه می‌دهد: من در ماه گذشته ده روز در تهران حدود بیست گالری را رفته و بررسی کردم و با مدیران آنها صحبت کردم، در آن‌جا و حتی شیراز و اصفهان گالری‌گردی جا افتاده است؛



مثلا عصر جمعه افراد می‌دانند که گالری‌هایی هستند که هر کدام نمایشگاهی دارند، این برای من آرزو شده و با خودم می‌گویم باید این را کم کم جا بیاندازیم، چون ما کرمانی‌ها گردشگاه و تفریحی هم نداریم، الان تفریح و گردش شده کافی شاپ و رستوران رفتن؛ ما اگر بتوانیم این را جا بیاندازیم و دو کلمه جمعه و گالری را با هم بیابوریم و یک گردش هنری راه بیاندازیم خیلی می‌تواند موثر باشد.

او ادامه می‌دهد: یکی دیگر اینکه در تهران و شیراز تنوع آرایه آثار خیلی زیاد است؛ قاب‌ها، آرایه، متربال و سبک‌ها متفاوت است.

هنر حال آدم‌ها را خوب می‌کند

مدیر گالری اسفند می‌افزاید: شرایط در این سال‌ها خوب نبود و هر روز اتفاقی بوده، مدتی کرونا بود و کرونا که تمام شد تا ما آمدم رونقی بگیریم اعتراضات شروع شد؛ مردم اصلا حال خوبی نداشتند و ما یکی دو نمایشگاه گذاشتیم

گذار است، اما اوضاع اقتصادی مردم بد است و توان خرید ندارند.

نتوانستیم مسئولین را سر یک میز بنشانیم

از او می‌پرسم چه کار باید کرد که می‌گوید: مردم ما تلویزیون می‌بینند، رادیو گوش می‌دهند، بیل‌بورد خیابان‌ها را ناخودآگاه می‌بینند، بچه‌ها به مدرسه و دانشگاه می‌روند، این‌ها باید فرهنگ سازی کنند؛ من جایی گفتم اگر قرار باشد روزی جلسه‌ای برای بهبود اوضاع فرهنگ و هنر برگزار کنیم، هیچ‌وقت از هنرمندان دعوت نمی‌کنم؛ هنرمند دارد کارش را می‌کند؛ من رئیس صدا و سیما، آموزش عالی، آموزش و پرورش و شهردار و چند نفر دیگر را دعوت می‌کنم، چون این‌ها باید کار انجام دهند؛ این جلسه فرضی در ذهن من است، و هیچ‌وقت هم نتوانستیم این آقایان را سر میز بنشانیم.

مؤدب ادامه می‌دهد: صدا و سیما می‌آید و از گالری و نمایشگاه گزارش تهیه می‌کند، ولی موقع پخش تا به گفتن آدرس می‌رسم صدا را قطع می‌کنند، خب همشهری من از کجا بداند این آثار کجا به نمایش در آمده‌اند؟ گله هم که می‌کنیم می‌گویند تبلیغ می‌شود! خب باید تبلیغ شود و فرهنگ سازی کرد تا مردم گالری‌ها را بشناسند. او در پایان صحبت‌اش با اشاره به نمایشگاه «کرمان من» که با موضوع کرمان در مرداد ماه در گالری ارغوان برگزار می‌شود می‌گوید: هر نهادی ذره‌ای دلش برای فرهنگ و هنر کرمان بسوزد باید این نمایشگاه را ببیند و در این نمایشگاه کار بخرد، حالا ببینیم کدام مسئول می‌آید، شما مگر نمی‌گویید دغدغه کرمان دارید خب به میدان بیایید.

می‌خواهیم پروژه محور کار کنیم

لیلا مهاجری مدیر گالری «اسفند» نیز در باره وضعیت گالری می‌گوید: گالری ما امسال سال هفتم فعالیت خود را می‌گذراند و کماکان فعالیت‌هایمان ادامه دارد، ما در سال‌های گذشته نوسانات زیادی داشتیم؛ یک دوره‌ای کرونا بود که متأسفانه اولین جاهایی که تعطیل شد گالری‌ها بود و ما مجبور شدیم نمایشگاه‌های خصوصی با تعداد کم برگزار کنیم.

او ادامه می‌دهد: بعد هم که اوضاع کرونا بهتر شد بحث اعتراضات شد، ولی با همه این‌ها گالری فعالیت خودش را دارد و خط مشی‌های جدیدی را برای خودمان تعریف کردیم و می‌خواهیم پروژه محور کار کنیم. او در باره‌ی این‌که چگونه فعالیت گالری را در این شرایط ادامه می‌دهد می‌گوید: خیلی سخت است هزینه‌های ابتدایی تجهیز گالری، نصب آثار، نورپردازی، دآوری آثار و همه مراحل برپایی نمایشگاه یک پروسه سخت است که خیلی به چشم نمی‌آید و همه فقط ظاهر قشنگ آن را می‌بینند. البته مجموعه ما موسسه فرهنگی هنری چند منظوره است و در این سال‌ها در کنار گالری موسسه هم فعالیت خودش را داشته، برگزاری جشنواره‌ها، سمینارها و کارهای جانبی داشتیم و تلاش کردیم و به سختی گالری را نگه داشتیم. باید بیشتر روی شناساندن گالری کار کنیم

هم که همه تعطیل هستند، همین می‌شود که گالری‌ها رونق ندارند؛ چون وقتی عرضه نباشد تقاضا هم نیست. او ادامه می‌دهد: برای همین خیلی از گالری‌ها چون عرضه‌ای نیست از پس هزینه‌های معمول مثل آب، برق، گاز و اجاره بر نمی‌آیند و همین‌ها باعث تعطیلی می‌شود مثل اجاره ملک که کم‌تر خیلی از گالری‌ها را شکست و شاید یکی از دلایلی که گالری من سر پا مانده این است که مکان گالری متعلق به خودم است.

فرهنگ و هنر در مملکت ما اولویت آخر است

او با اشاره به خسارت سنگین کرونا به گالری‌ها افزود: ۵۰ درصد گالری‌ها در دوران کرونا تعطیل شدند، با کوچکترین اتفاق گالری‌ها را تعطیل می‌کردند، چرا که هنوز فرهنگ و هنر جایی در مملکت ما ندارد و این واقعیت تلخی است و همه هم می‌دانند؛ وقتی مشاغل را درجه‌بندی می‌کنند می‌گویند مشاغل درجه یک، دو، سه و چهار و آخرین موردی که در مشاغل درجه ۴ می‌آورد، سینما، مراکز فرهنگی و آموزشگاه‌ها است؛ گالری‌ها که اصلا وجود ندارد. وقتی فرهنگ و هنر در مملکت ما در اولویت آخر است باید هم اوضاع این باشد؛ در کشورهای اروپایی حقوق معلم از پزشک بیشتر است چون به فرهنگ و رونق آن اهمیت می‌دهند.

هیچ حمایتی از گالری‌ها نمی‌شود

او درباره‌ی حمایت متولیان هنر از گالری می‌گوید: از سال ۹۷ که فعالیت گالری را شروع کردم هیچ حمایتی از طرف دولت از من نشده، مسئولین را دعوت کردم نیامدند، خسارت دوران کرونا به ما ۳ میلیون دادند؛ آیا خسارت این مقدار است؟ مطمئنا خیلی بیشتر از اینها است، می‌گویند وام می‌دهیم، اما شرایط جوری تنظیم شده که شما نتوانید وام بگیرید. در حالی که یک درصد از بودجه هر ارگانی باید به کار فرهنگی اختصاص یابد، اما هیچ وقت این اتفاق نیفتاده است.



او ادامه می‌دهد: ما هنوز فرهنگ بازدید، خرید و تبلیغ کار هنری را نداریم طرف می‌خواهد یک اثر هنری کادو ببرد، یک جعبه شیرینی هم می‌گذارد کنارش؛ یعنی ارزشش به جعبه شیرینی است؛ یا من اگر بخواهم کار هنری ببرم خانه یکی از دوستان باید غیرمستقیم قیمتش را هم اعلام کنم تا بداند ارزشمند است.

او با اشاره به تاثیر زیاد اتفاقات جامعه در فرهنگ و هنر ادامه می‌دهد: کرونا که فروکش کرد اعتراضات شروع شد که تاثیر زیادی روی فعالیت ما گذاشت و در آن زمان، اگر تعطیل می‌کردیم علیه دولت بودیم؛ اگر فعالیت می‌کردیم علیه مردم بودیم؛ این وسط مانده بودیم که چه کنیم و بزرگترین لطمه را اهالی فرهنگ و هنر خوردند.

او درباره‌ی فروش آثار چنین می‌گوید: از قبل از سال که تورم خیلی بالا رفت دیگر فروشی نداشتیم و اوضاع خیلی بد است، درحالی که یک اثر هنری ارزش افزوده بالایی دارد و سرمایه

قصه گالری‌داری در کرمان سر درازی دارد؛ بالا و پایین‌های زیادی را به خود دیده؛ تراژدی را به شادی جزء جدایی ناپذیرش بوده؛ گالری‌ها که باید اکنون جزء جدایی‌ناپذیر جامعه کرمان

باشند بعد از چندین دهه فعالیت هنوز قدم اول را هم برنداشته‌اند؛ و چونان نوزادی، لوزان گام برداشته و مدام زمین خورده‌اند؛ افراد زیادی آمده و رفته‌اند، اما هنوز قدم‌های گالری‌داری مستحکم و استوار نشده است. از دلایل این اتفاق زیاد گفته‌اند، اما انگار گوشی آن‌ها را نشنیده؛ یا اگر شنیده نخوایسته یا نتوانسته کاری بکند. نمی‌خواهم بگویم یا حداقل باور کنم، اما انگار گالری‌داری در کرمان طلسم شده و گره‌اش باز شدنی نیست. اما چه می‌توان کرد، نباید نشست و ساکت بود، باید باز هم گفت و شنید. شاید...؛ برای همین به سراغ دو گالری‌دار فعال حال حاضر کرمان در شرایط این روزها که اتفاقات گوناگونی را تجربه کرده‌اند، رفته تا ببینم آن‌ها چگونه این سال سخت را گذراندند. «محمدحسین مؤدب» مدیر گالری «ارغوان» و «لیلا مهاجری» مدیر گالری «اسفند» از تجربیات و دغدغه‌هایشان گفتند، و دیدم چقدر این حرف‌ها آشناست! انگار آن‌ها را از برم، شما هم بخوانید، شاید هم همین حس را داشتید.

مدیر گالری باید از بدنه هنر باشد

محمد حسین مؤدب درباره وضعیت گالری «ارغوان» در حال حاضر می‌گوید: خوشبختانه در حال حاضر وضعیت گالری خوب است و می‌توان گفت تنها گالری خیلی فعال کرمان است و از الان تا آخر شهریور، وقت‌های نمایشگاهی زرو است، ولی حتی اگر نمایشگاهی هم نباشد، نمی‌گذارم درب گالری بسته باشد و اگر شده با هزینه شخصی و فراهخوان دادن گالری را سر پا نگه می‌دارم.

از او درباره‌ی این‌که چرا گالری‌داری در کرمان هیچ زمان ثبات نداشته و همیشه مدتی فعال بوده و بعد دچار رکود شده می‌پرسم، که می‌گوید: به نظر من یکی از شرایطی که مدیر گالری باید داشته باشد این است که خودش با هنر آشنا و از بدنه و دلسوز هنر باشد، من شخصا این‌گونه هستم و غیر از بحث گالری‌داری تقریبا می‌شود گفت ۳۰ سال است فعالیت فرهنگی هنری اعم از تدریس، برگزاری و اجرای برنامه و فعالیت‌های هنری دارم. او ادامه می‌دهد: گالری داری هم همین‌طور است چون کار بسیار سختی است و نمی‌شود آن را با تهران و دیگر شهرها حتی شیراز و اصفهان مقایسه کرد؛ همین گالری ما، بعد از چندین سال فعالیت الان اگر در هر شهر دیگری بود جایگاه مناسبی داشت و فروش‌های چند صد میلیونی داشت، ولی در کرمان من بعد از چند سال فعالیت، هنوز هزینه‌های خود گالری را به سختی تامین می‌کنم. مؤدب مهمترین دلیل این اتفاق را هزینه‌ها می‌داند و ادامه می‌دهد: هزینه‌ها به شرایط بد اقتصادی مردم بر می‌گردد، شما دوست داری خودت را معرفی کنی و هنرت را به نمایش بگذاری ولی هزینه‌ها اجازه نمی‌دهد و خریدی هم اتفاق نمی‌افتد.

هنرمندان کرمان در میدان نیستند

مدیر گالری ارغوان می‌افزاید: مسئله دیگر این‌که هنرمندان ما نسبت به هنرمندان استان‌های دیگر کمتر فعالیت می‌کنند، نمی‌دانم درست است یا نه؛ انگار کمتر دوست دارند دیده شوند، به قولی در میدان نیستند و من الان که مسئولیت انجمن خوشنویسان استان را دارم این موضوع را به وضوح و از نزدیک لمس می‌کنم و می‌بینم که فعالیت هنرمندان خیلی کم است و بیشتر جوان‌ها فعالیت می‌کنند، انجمن‌های ما



رحیم بنی‌اسدآزاد